

تحلیل موقعیت به مثابه روشی برای پژوهش در خصوص شهر اسلامی*

احسان بابائی سالانقوج^۱، محمد مسعود^{۲*}، بهادر زمانی^۳، کامران ربیعی^۴

^۱ دانشجوی دکتری شهرسازی اسلامی، دانشگاه هنر اصفهان
^۲ دانشیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان
^۳ استادیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان
^۴ استادیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۵/۱۱/۲۵ تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۴/۱۸)

چکیده

یکی از مسائل موجود در مطالعه شهر و شهرسازی اسلامی، عدم توجه کافی به روش‌شناسی‌های منسجم و متناسب با ویژگی‌های این عرصه است. در این زمینه، استفاده از روش‌های کیفی همراه با بررسی تقادانه امکانات و توانمندی‌های آن‌ها برای تدوین نظریه‌های منسجم و کاربردی برای ارتقای شهرسازی اسلامی راه‌گشاست. از جمله این روش‌ها، روش نظریه زمینه‌ای است که به صورت فزاینده مورد توجه پژوهشگران رشته‌های مختلف و از جمله نظام‌های علمی مرتبط با محیط انسان‌ساخت قرار گرفته است. یکی از نسخه‌ها و خوانش‌های متعدد نظریه زمینه‌ای، تحلیل موقعیت است. مقاله حاضر در پی آن است تا با بهره‌گیری از این روش در نمونه‌ای از مطالعات تعریف شده ذیل عنوان شهرسازی اسلامی و ضمن بررسی ماهیت، ویژگی‌ها و مؤلفه‌ها شهر اسلامی، امکانات و توانمندی‌های تحلیل موقعیت در این عرصه را مورد بررسی قرار دهد. بر این اساس پاسخ‌گویی به دو سؤال مورد نظر است: خصوصیات، امکانات و ابزارهای پیشنهادی تحلیل موقعیت تا چه اندازه با ماهیت پژوهش در شهر و شهرسازی اسلامی هماهنگ است؟ چه ویژگی‌ها و مؤلفه‌هایی برای شهر اسلامی در اسناد، متون، قواعد و گفتمان‌های مرتبط برشمرده شده است؟ این مطالعه با بهره‌گیری از داده‌های موجود در متون فارسی در خصوص شهر اسلامی و با بررسی مؤلفه‌های انسانی و غیر انسانی، عاملان فردی و جمعی، سازمان‌ها، ساخت‌های گفتمانی و مؤلفه‌های فضایی، زمانی، اقتصادی، سیاسی و نمادین در این موقعیت، سعی در به دست دادن تصویری روشن از این انگاره دارد. برای این منظور نقشه‌های موقعیت، عرصه‌ها/جهان‌های اجتماعی و وضعیت به عنوان قلب روش تحلیل موقعیت تولید و ارائه شده است. روش تحلیل موقعیت با لحاظ پیچیدگی‌ها، مؤلفه‌ها و کنشگران گوناگون، توجه به رویکردهای جدید و عاملین ناپیدا و خاموش، و با توجه به موقعیت به عنوان واحد تحلیل می‌تواند مسیری جدید برای پژوهش در شهرسازی اسلامی در اختیار قرار دهد. بخش دیگر نتایج متوجه پرسش دوم پژوهش است. در این خصوص با توجه به نقشه‌های ترسیم شده و تحلیل‌های مربوطه می‌توان گفت شهر اسلامی انگاره‌ای چندبعدی و پیچیده است که عاملان، ساخت‌های گفتمانی، مؤلفه‌های فضایی، زمانی، نمادین و اجتماعی مختلفی در ساخت و تعیین ویژگی‌های آن نقش دارند. هرگونه کاربست این مفهوم در پژوهش‌های مربوطه باید با توجه به این پیچیدگی‌ها و عدم قطعیت‌ها همراه باشد و رویکردهای مختلف، وضعیت‌های گوناگون، شرایط متنوع، و نگرش‌های متفاوت را مورد توجه قرار دهد.

واژگان کلیدی: تحلیل موقعیت، روش تحقیق، روش‌شناسی، شهر اسلامی، شهرسازی اسلامی.

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری احسان بابایی سالانقوج با عنوان «تبیین مؤلفه‌های شکل شهر خوب در فرهنگ ایرانی-اسلامی» به راهنمایی دکتر محمد مسعود و مشاوره دکتر بهادر زمانی و دکتر کامران ربیعی در دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان در حال انجام است.

** E-Mail: m.masoud@aui.ac.ir

Situational analysis as a method in research on characteristics and components of Islamic city

Ehsan Babaei Salanghooch

PhD Student of Islamic Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Art University of Isfahan, Iran

Mohammad Massoud *

Associate Prof., Faculty of Architecture and Urban Planning, Art University of Isfahan, Iran

* *m.masoud@aui.ac.ir*

Bahador Zamani

Assistant Prof., Faculty of Architecture and Urban Planning, Art University of Isfahan, Iran

Kamran Rabiei

Assistant Prof., Department of Sociology, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Abstract:

Despite its simple appearance, the Islamic city is one of the most challenging concepts studied in scientific disciplines including architecture, urbanism and the history of art. Besides theories approving or rejecting this concept, much research has been devoted to the study of the nature of the Islamic city and similar concepts. The importance of this concept is due to the fact that the viewpoints presented about it have had a considerable role in any attempt for designing, planning, and organizing of cities based on Islamic culture in the contemporary period and the Islamic city has been considered as the key to the explanation of Islamic urbanism. Despite the consensus about the importance and urgency of planning and design coordinated with inhabitants principles, values and cultures, coherent methodologies missed. In this regard using qualitative methods combined with critical thoughts about their facilities and capabilities can provide activist methodological tools to expose and reenvision the characteristics of Islamic city and Islamic urbanism. Over past twenty years situational analysis had used in a range of fields including art and humanities. In this article, we describe possibilities for using situational analysis in Islamic urbanism and provide examples of situational mapping from a study focusing on characteristics and components of Islamic city. In this regard we used pertinent texts from Persian literature about Islamic city as data and mapped individual and collective elements/ actors, nonhuman actors and discursive constructions. Situational maps, social worlds/ arenas maps and positional maps illustrated. The results of the study have two main aspects. On one hand the results is about Islamic city. In this case, this study concludes that Islamic city concept in its current place as described and introduced mostly by western researchers cannot be useful for explaining the relationship between city and culture and Islamic values and consequently for the manifestation of Islamic urbanism in contemporary cities. On the other hand the results is about using situational analysis in Islamic urbanism. Because of its capabilities and features, situational analysis can shed some light in research about Islamic city and Islamic urbanism.

Keywords: Islamic city, Islamic urbanism, Methodology, Research method, Situational analysis.